آیت‌الله صافی گلپایگانی به لقاءالله پیوست

روح بلند مرجع عالیقدر جهان تشیع، آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی بامداد سه‌شنبه دوازدهم بهمن ماه به ملکوت اعلی پیوست.

این مرجع عالیقدر چند روز قبل جهت معاینات پزشکی به بیمارستان آیت‌الله گلپایگانی قم مراجعه کرده و در این بیمارستان بستری بود.

وی سال‌ها به تدریس و تحقیق در حوزه مقدسه قم اشتغال داشت و تربیت صدها محقق و تالیف دهها اثر فاخر علمی از ثمرات عمر پربرکت وی است.

عضویت در مجلس خبرگان قانون اساسی و عضویت در شورای نگهبان و دبیری آن با حکم حضرت امام خمینی(ره)، از جمله فعالیت‌های سیاسی آیت‌الله صافی گلپایگانی بود.

اطلاعیه دفتر آیت‌الله صافی گلپایگانی(ره)

به دنبال ارتحال مرجع عالیقدر جهان تشیع، آیت‌الله صافی گلپایگانی(ره) دفتر این مرجع تقلید اطلاعیه‌ای صادر کرد که متن آن به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

الذین تتوفیهم الملائکه طیبین یقولون سلام علیکم ادخلوا الجنه بما کنتم تعملون.

ساعاتی قبل قلب تپنده مرجعی بیدار و مدافع غیور حریم اهل بیت عصمت و طهارت، علیهم‌السلام، و زبان گویای دفاع از حق واحکام الهی و خادم دلباخته آستان ملائک پاسبان حضرت ولی‌الله الاعظم، ارواح العالمین له الفداء، زعیم حوزه‌های علمیه، حضرت آیت‌الله‌العظمی صافی گلپایگانی، قدس سره الشریف، از حرکت باز ایستاد و روح بلند و بی‌قرارش که مشتاق لقای پروردگار بود، کالبد تن را شکست و به ملکوت اعلی پیوست.

کارنامه پرافتخار این مرجع عالیقدر، مشحون از نُصح و خیرخواهی برای کیان اسلام و تشیّع و دلسوزی برای همه بندگان خدا بود.

تشییع پیکر آیت‌الله صافی(ره) در قم تدفین در کربلای معلی

مراسم تشییع پیکر مرحوم آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی(ره)، صبح چهارشنبه ساعت ۱۰ صبح از فلکه جهاد قم به سمت حرم مطهر حضرت معصومه سلام الله علیها برگزار می‌شود.

گفتنی است پیکر آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی(ره) بعد از تشییع در شهر قم، طبق وصیت ایشان، برای تدفین به شهر کربلا در کشور عراق منتقل خواهد شد.

اعلام عزای عمومی در سراسر کشور

دفتر هیئت دولت، در پی رحلت «شیخ‌الفقها» آیت‌الله صافی گلپایگانی طاب ثراه، در سراسر کشور عزای عمومی و در استان قم تعطیل رسمی اعلام کرد.

متن پیام هیئت دولت به شرح زیر است:

هیئت دولت جمهوری اسلامی ایران رحلت شیخ الفقها آیت‌الله صافی گلپایگانی طاب ثراه را به حضرت بقیة‌الله الاعظم ارواحنا فداه، رهبر معظم انقلاب، مراجع عظام تقلید، حوزه‌های علمیه و مردم شریف ایران تسلیت گفته، به منظور بزرگداشت مقام شامخ مرجعیت، روز چهارشنبه سیزدهم بهمن ماه ۱۴۰۰ را در سراسر کشور عزای عمومی و در استان قم تعطیل رسمی (عمومی) اعلام می‌نماید.

آیت‌الله سید ابراهیم رئیسی رئیس‌جمهور، معاونین، وزرا ، محمد باقر قالیباف رئیس مجلس، حجت‌الاسلام اژه‌ای رئیس قوه قضائیه، نمایندگان مجلس، مراجع عظام تقلید، شخصیت‌های سیاسی و دینی و لشکری و کشوری و از جمله فرمانده کل سپاه، فرمانده کل ارتش، مشاور مقام معظم رهبری در امور بین الملل و سازمان ها و نهادها و سازمان‌ها و نهادها، آیت‌الله سیستانی مرجع عالیقدر نجف، شیخ ابراهیم زکزاکی رهبر جنبش اسلامی نیجریه در پیام‌هایی جداگانه رحلت آیت‌الله صافی گلپایگانی(ره) را تسلیت گفتند.

رهبر عظیم‌الشأن انقلاب اسلامی نیز با صدور پیامی ضمن تسلیت درگذشت آیت‌الله صافی گلپایگانی، فرمودند: ایشان از استوانه‌های حوزه علمیه قم و از برجستگان علمی و پرسابقه‌ترین عالم دینی در آن حوزه مبارک بود.

زندگی و تحصیل

آیت‌الله صافی تحصیلات خود را در گلپایگان آغاز کرد و ادبیات عرب، کلام، تفسیر قرآن،حدیث، فقه و اصول را تا پایان سطح، در زادگاه خود به سرانجام رساند.

این مرجع تقلید شیعیان در ۲۳ سالگی (۱۳۶۰ق) ازگلپایگان به قم هجرت کرد و در درس سید محمدتقی خوانساری، سید محمد حجت کوه کمره‌ای، سید صدرالدین صدر، سید محمد رضا گلپایگانی و آیت‌الله بروجردی حاضر می‌شد. او پس از چهار سال اقامت در قم، به مدت یک سال در نجف ساکن شد و در درس محمدکاظم شیرازی، سید جمال‌الدین گلپایگانی و شیخ محمدعلی کاظمی حضور یافت. او داماد سید محمدرضا گلپایگانی است.

جایگاه علمی و مرجعیت

آیت‌الله صافی گلپایگانی، از شاگردان برجسته آیت‌الله بروجردی بود و توانایی ویژه علمی او موجب شد پاسخگویی به سوالات فقهی و کلامی و همچنین نگارش کتاب منتخب‌الاثر، از سوی آیت‌الله بروجردی به وی واگذار شود. او همچنین از مشاوران نزدیک و همچنین از اصحاب شورای استفتای آیت‌الله بروجردی بوده است، در فقه، اصول، کلام، حدیث و رجال، به تدریس و تحقیق پرداخته و آثاری در این ابواب نوشته است. عالمان بزرگ شیعه مانند سید جمال‌الدین گلپایگانی، سید حسن طباطبایی بروجردی، امام خمینی و سید محمدرضا گلپایگانی بر مراتب علمی او تاکید کرده‌اند.

آیت‌الله صافی گلپایگانی، پس از درگذشت آیت‌الله گلپایگانی در آذر ۱۳۷۲ش، به عنوان مرجع تقلید شناخته شد.آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی در وصیتنامه خود، آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی را مجتهد مسلم و عادل خوانده بود.

از نگهبانی قانون اساسی تا نگهبانی دین

صافی گلپایگانی، از معدود مراجع تقلید شیعه است که تجربه عضویت در مجلس خبرگان قانون اساسی، عضویت و همچنین دبیری شورای نگهبان را داشته است.

عضو مجلس خبرگان قانون اساسی، یکی از ۷۳ عضو مجلس خبرگان قانون اساسی بود که از ۲۸ مرداد تا ۲۴ آبان ۱۳۵۸ ش، مسئولیت تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران را به عهده داشت.

عضو و دبیر شورای نگهبان: در سال ۱۳۵۹ شمسی، با حکم امام خمینی، عضو فقهای شد و هشت سال تا تیر ۱۳۶۷دبیر شورای نگهبان بود، آیت‌الله صافی در تیر ۱۳۶۷ش از عضویت در شورای نگهبان استعفا کرد.

برخی از مراکز و موسسات علمی و دینی، از سوی دفتر صافی گلپایگانی راه‌اندازی شده است، از جمله: مرکز تحقیقات اسلامی دارالزهراء، در سال ۱۳۸۹ش، در تهران و با هدف پاسخگویی به سوالات شرعی و مشاوره دینی و خانوادگی آغاز به کار کرد.

مدافع بزرگ نظام و انقلاب و حریم ولایت

این مرجع عالیقدر جهان اسلام در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی، نگهبان قانون اساسی جمهوری اسلامی بود و پس از آن در لباس مرجعیت نگهبان دین اسلام است.

ایشان در مقاطع مختلفی به دفاع از نظام و انقلاب و حریم ولایت پرداخته است. بعد از حوادث فتنه ۸۸، وی ۳۱ خرداد در دیدار با تعدادی از فقها و حقوقدانان شورای نگهبان با تشکر و تقدیر از ملت بزرگ ایران اظهار داشته بود «از حوادثی که بعد از انتخابات پیش آمده است بسیار متأثر و متأسف هستم و امیدوارم که به بهترین وجه مشکلات برطرف شود... اگر این دعواها ادامه پیدا کند بیم آن می‌رود که اصل نظام مورد تضعیف قرار بگیرد. اشخاص می‌آیند و می‌روند و آنچه می‌ماند نظام و در اصل، اسلام و حاکمیت آن است. البته من مطالب مهمی را دارم که الآن نمی‌توانم بیان کنم».

آیت الله صافی گلپایگانی همچنین ۱۲ مهر ۸۸ در دیدار با اعضای حزب مؤتلفه اسلامی، با اشاره به اینکه ولایت فقیه جامع‌الشرایط از افتخارات شیعه است اظهار داشتند: تقدم بر فقها و علما و دوری از آنها موجب ضلالت و گمراهی است. اگر بخواهیم نظام اسلامی محفوظ باشد باید دین خود را از آنان بگیریم و بدانیم امروز این نظام دشمنان زیادی دارد که همه می‌خواهند به آن ضربه بزنند.

بوسه بر دست طلبه آفریقایی

در جریان مراسم عمامه گزاری طلاب غیر ایرانی در قم که چند سال قبل برگزار شد آیت‌الله صافی گلپایگانی بر دست یکی از طلاب آفریقایی بوسه زدند.

این مراسم در مدرسه عالی امام خمینی در شهر قم برگزار شده بود و معظم له پس از گذاشتن عمامه بر سر یکی از طلاب از قاره آفریقا دست او را (به این نیت که خدمتگزار دین است) بوسیدند.

این حرکت آیت‌الله صافی گلپایگانی در آن زمان فضای عجیبی در مراسم ایجاد کرد و بسیاری از خانواده‌های طلاب غیر ایرانی مبهوت این خضوع و خشوع عالمان دین در مقابل تشنگان راه حقیقت شدند و تا ساعت‌ها نیز این واکنش‌ها، ادامه داشت. پس از آن نیز این صحنه و عکس در بسیاری از شبکه‌های اینترنتی و ماهواره‌ای جهان منتشر شد.

آثار و تألیفات

آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی، یکی از پرکارترین نویسندگان شیعی است که بیش از ۸۰ عنوان کتاب از وی به زبان‌های فارسی و عربی منتشر شده. برخی از آثار او به زبان‌های انگلیسی و اردو ترجمه شده و پاره‌ای از این کتاب‌ها برنده جایزه کتاب سال ولایت و کتاب سال مهدویت شده‌اند، مقالات و اشعاری نیز از سوی او در مجلات و رسانه‌های مختلف منتشر شده است.

کتاب‌ها و آثار تالیفی

برخی از آثار آیت‌الله لطف‌الله صافی گلپایگانی عبارتند از: منتخب الاثر فی الامام الثانی عشر، درباره امام دوازدهم و در ده فصل است. نصوص مرتبط با دوازده امام، نصوص مرتبط با امام دوازدهم، و تاریخ زندگی و چگونگی ظهور آن امام، بخش‌های اصلی کتاب است.

این کتاب در سال ۱۳۸۰ش، در سه جلد چاپ شده که مجموعا ۱۴۰۰ صفحه است. منتخب‌الاثر، در اولین دوره کتاب سال ولایت، اثر برگزیده شناخته و در اولین دوره کتاب سال مهدویت، اثر برتر نام گرفت.

مقالات و اشعار

علاوه بر کتاب‌هایی که از این مرجع تقلید شیعیان انتشار یافته، مقالات و اشعار پراکنده‌ای هم در نشریات مختلف منتشر کرده است؛ از مقاله‌ای در نشریه کتابخانه مسجد اعظم قم در سال ۱۳۴۴ش درباره حکومت اسلامی از نگاه قرآن کریم، تا اشعاری مانند «منظومه اهل دل» که در سال ۱۳۹۰ در مجله پاسدار اسلام به چاپ رسیده است.

برخی از مقالاتی که آیت‌الله صافی نگاشته، به خواست و توصیه آیت‌الله بروجردی بوده است؛ از جمله مقاله‌ای در پاسخ به مجله‌ای در هند که مدعی برگرفته شدن اسلام از دین بودایی بوده است، در موردی دیگر، صافی گلپایگانی مقاله‌ای در پاسخ به شیخ محمود شلتوت نوشت و به ادعای او درباره استخاره در نظر مکتب اهل بیت واکنش نشان داد. شیخ محمود شلتوت در مجله رسالة الاسلام، ضمن تفسیر آیه «و إن تستقسموا بالازلام»، استخاره در مکتب اهل بیت را از قبیل استقسام بالازلام دانسته است.

مراسم بزرگداشت آیت‌الله صافی گلپایگانی در قم

مراسم رحلت فقیه عالیقدر آیت‌الله صافی گلپایگانی صبح ۱۲ بهمن ۱۴۰۰ با حضور آیات عظام علوی گرگانی، نوری همدانی، حسینی بوشهری، میلانی، مقتدایی، اعرافی، خاتمی، کعبی و اقشار مختلف مردم در مسجد امام حسن عسکری(ع) قم برگزار شد.

پیام تسلیت رهبر انقلاب درپی درگذشت آیت‌الله صافی گلپایگانی:

آیت‌الله صافی گلپایگانی از استوانه‌های حوزه علمیه قم و امین امام خمینی(ره) بود

حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای در پیامی درگذشت فقیه عالی‌مقام و مرجع بصیر، آیت‌الله آقای حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی را تسلیت گفتند.

متن پیام رهبر انقلاب اسلامی به این شرح است:

بسم الله الرحمن الرحیم

با تاسف خبر درگذشت فقیه عالی‌مقام و مرجع بصیر، حضرت آیت‌الله آقای حاج شیخ لطف‌الله صافی گلپایگانی رضوان‌الله علیه را دریافت کردم. ایشان از استوانه‌های حوزه علمیه قم و از برجستگان علمی و عملی و پرسابقه‌ترین عالم دینی در آن حوزه مبارک بودند. در دوران مرحوم آیت‌الله بروجردی در شمار برترین تلامذه آن استاد بزرگ، در زمان مرحوم آیت‌الله سید محمدرضا گلپایگانی همراه و مشاور علمی و عملی ایشان، و در دوران انقلاب، امین و مورد اعتماد حضرت امام خمینی رحمت‌الله علیهم به شمار می‌رفتند. سال‌ها در شورای نگهبان رکن اصلی آن شورا محسوب می‌شدند و پس از آن هم همواره درباره مسائل انقلاب و کشور، دلسوزانه و مسئولانه ورود می‌کردند و بارها اینجانب را از نظرات و مشورت‌های خود مطلع و بهره‌مند میساختند. قریحه شعری، حافظه تاریخی، پرداختن به مسائل اجتماعی از دیگر ابعاد شخصیت این عالم کهنسال و بزرگوار بود. رحلت ایشان برای جامعه علمیِ دینیِ کشور مایه تأسف است. اینجانب به خاندان مُکرّم و فرزندان گرامی ایشان و نیز به مراجع معظم و علمای اعلام حوزه علمیه و مقلدان و ارادتمندان ایشان بویژه در قم و گلپایگان تسلیت عرض می‌کنم و رحمت و مغفرت الهی را برای ایشان مسئلت می‌نمایم.

سیّدعلی خامنه‌ای
۱۲ بهمن ۱۴۰۰

با همت مرمت‌کاران ایرانی

گلدسته شمالی حرم مطهر امام علی(ع) آماده رونمایی شد

مدیر صنعتی هنری ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات از اتمام عملیات طرح مرمت و ترمیم طلاکاری گلدسته شمالی ایوان نجف در حرم مطهر امام علی(ع) خبر داد.

به گزارش خبرنگار کیهان و به نقل از روابط عمومی ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات، گلدسته‌ها و ایوان نجف اشرف از مهم‌ترین بخش‌های عمارت تاریخی حرم مطهر علوی و از میراث ارزشمند هنر و معماری ایرانی اسلامی است.

این بنای باشکوه توسط استادکاران ایرانی در عصر صفوی و زیر نظر شیخ بهایی ساخته و با کاشی‌هایی به رنگ سبز، نماکاری شده بود که بعدها به دستور نادرشاه افشار، با پوشش نازکی از طلا، آبکاری شد.

از آن زمان تا کنون به دلیل عوامل مختلف، این بنای تاریخی دچار آسیب و فرسایش شده بود که ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات در چند مرحله اقدام به ترمیم و مرمت آن کرده است.

همچنین کتیبه‌های میناکاری شده با اشعار فارسی، ترکی و هندی، صدها سال روی ایوان تاریخی نجف اشرف، نصب شده بود که در زمان حکومت صدام از روی ایوان کنده شد. پس از سقوط دیکتاتوری صدام، با همت متخصصان ستاد توسعه و بازسازی عتبات این کتیبه‌های تاریخی دوباره بازسازی و مرمت و در جای خود نصب شدند که شعر معروف «زایران درگهت را بر در خلد برین/ می‌دهند آواز طبتم فادخلوها خالدین» یکی از آنهاست.

محمد کریمی مدیر صنعتی هنری ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات در این باره گفت: سید عیسی الخرسان تولیت آستان مقدس علوی با حضور در جمع استادکاران ایرانی، آخرین خشت بازسازی و مرمت شده گلدسته شمالی ایوان نجف را نصب کرد.

کریمی با بیان اینکه گلدسته شمالی هم اکنون آماده رونمایی است گفت: براساس طرح، حدود ۴ هزار و ۵۰۰ خشت مسی که قرن‌ها پیش توسط استادکاران ایرانی با روکش نازکی از طلا آبکاری شده بود ابتدا شماره‌گذاری شده و پس از جدا سازی از گلدسته، در کارگاه مخصوص ترمیم و دوباره با پوشش نازکی از طلا به قطر چند میکرون پوشیده و در نهایت سر جای قبلی نصب شد.

وی با بیان اینکه در مرحله بعدی پروژه، کار بر روی ترمیم خشت‌های بخش مرکزی ایوان نجف آغاز خواهد شد تاکید کرد: تمامی هزینه‌های مربوط به تامین طلا، توسط تولیت آستان مقدس علوی و خیران عراقی صورت می‌گیرد.

مدیر صنعتی هنری ستاد توسعه و بازسازی عتبات عالیات یادآور شد: مناره جنوبی ایوان نجف در سال ۹۸ به دست استادکاران ایرانی مرمت شده بود.

وزیر آموزش و پرورش:

برخی افراد معلمان را تحریک می‌کنند که سر کلاس نروند

وزیر آموزش و پرورش گفت: موضوع رتبه‌بندی اکنون در حال پیگیری است اما برخی افراد، معلمان را تحریک می‌کنند که سر کلاس درس نروند، این موضوع با هیچ قاعده‌ای جور نیست.

به گزارش خبرگزاری تسنیم، یوسف نوری در حاشیه مراسم نواختن زنگ انقلاب، درباره رتبه‌بندی و افزایش اعتراضات معلمان اظهار داشت: این موضوع اکنون در حال پیگیری است اما برخی افراد، معلمان را تحریک می‌کنند که سر کلاس درس نروند، این موضوع با هیچ قاعده‌ای جور نیست.

نوری افزود: خانواده‌ها با بنده تماس گرفتند که چرا معلمان سر کلاس درس نمی‌روند، حق دانش‌آموز در حال تضییع است. توصیه می‌کنم معلمان حضور مؤثر در کلاس درس داشته باشند وگرنه نمی‌توانیم برای گرفتن حق فرهنگیان پاسخگو باشیم.

رتبه‌بندی برای امسال نبود

وی ادامه داد: رتبه‌بندی برای امسال نبوده برای سال آینده بوده است و دولت در حال ارفاق است، هم‌اکنون دولت و مجلس توافق نظر دارند که رتبه‌بندی برای امسال هم اجرا شود.

وزیر آموزش و پرورش گفت: درباره رتبه‌بندی تصمیماتی گرفته شده است که احتمالاً تا چهارشنبه(امروز) نهایی می‌شود و ایرادات در دست بررسی است.

نوری درباره مشکلات قطع برق یا گاز مدرسه بیان داشت: معافیت مدارس از پرداخت بهای انرژی در قوانین سنواتی بودجه لحاظ شده است. کمیسیون تلفیق برای سال آینده مجدداً این موضوع را تصویب کرده است البته سقف آن، الگوی مصرف است و اگر مشکلی در این زمینه وجود دارد مدیران مدارس به همکاران ما اطلاع دهند تا از طریق وزارت نیرو پیگیری شود.

قاضی‌زاده هاشمی دبیر شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما شد

سید احسان قاضی‌زاده هاشمی نماینده مجلس در شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما به عنوان دبیر جدید این شورا انتخاب شد.

به گزارش روابط عمومی شورای نظارت بر صدا و سیما، در جلسه ۵۰۱ شورای نظارت که دوشنبه ۱۱ بهمن ۱۴۰۰ با حضور شش نماینده قوای سه گانه و به ریاست محمدحسین صفارهرندی در محل دبیرخانه شورا برگزار شد، با توجه به دور جدید فعالیت‌های شورای نظارت و انتصاب محمد حسین صوفی از سوی وزیر میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری در آن وزارتخانه، نمایندگان قوای سه‌گانه به اتفاق آرا، سید احسان قاضی‌زاده‌هاشمی نماینده قوه مقننه را به‌عنوان دبیر جدید این شورا انتخاب کردند.

در این جلسه ضمن قدردانی از زحمات و خدمات صوفی، برای وی در سمت جدید آرزوی موفقیت شد.

سید احسان قاضی‌زاده هاشمی در دوره‌های دهم و یازدهم مجلس شورای اسلامی به عنوان نماینده این قوه، عضو شورای نظارت بر سازمان صدا و سیما بوده است.

در پرتو وحی

سوءاستفاده منافقان از سوگند برای فریب دادن

«(منافقان برای فریب شما) هنگامی که به سوی آنان بازگشتید (متوسل به قسم شده و) به زودی سوگند یاد می‌کنند که از آنها صرف‌نظر کنید و (اگر خطایی کرده‌اند آنها را ببخشید تا شاید بتوانند در دل شما نفوذ کنند، ولی شما به هیچ‌وجه تحت‌تاثیر آنها قرار نگیرید و به عنوان اعتراض) از آنها روی گردانید (نه به عنوان گذشت زیرا) آنها موجودات پلیدی هستند و جایگاه آنها دوزخ است (و رفتنشان به دوزخ) نتیجه اعمالی است که خودشان انجام داده‌اند.» التوبه - ۹۵

چهلمین جشنواره فیلم فجر - ۲

فیلم‌های اجتماعی ورای ساختار غیرحرفه‌ای و نگاه سطحی

سعید مستغاثی

پس از تخته شدن دکان‌هایی تحت عنوان سینمای هنری و سپس معناگرا که مدتی این سینما را رنج می‌داد، چند سالی است که سندرم دیگری گریبان سینمای ایران را گرفته تحت عنوان ژانر اجتماعی که نه وجه استاندارد تئوریک و پراتیک در تاریخ سینما و حتی سینمای امروز جهان دارد و نه مدعیان آن اطلاع و دانش و سواد چندانی درباره جامعه خود، اجتماعی که در آن زندگی می‌کنند و چالش‌های آن کسب کرده‌اند تا از چنبره نگرش‌های سطحی و سخیف بگریزند.

روزگاری هر غیرحرفه‌ای که دوربین به دستش می‌رسید و اساساً هنوز نمی‌دانست که «سینما» را چگونه می‌نویسند، به هر صورت فیلمی را با تقلید از نمونه‌های خارجی می‌ساخت و وقتی کسی از آن سر در نمی‌آورد، ادعا می‌کرد که فیلمش هنری است و منتقدانش، آن را نفهمیده‌اند و حتی بعضاً فهم و درک آن را به مکان‌های دیگر و زمان‌های آینده حواله می‌داد!

حالا چند سالی است که همین بلا به سر فیلم‌های اجتماعی آمده و هر کسی که می‌تواند پولی فراهم کرده و نسخه‌های سریال‌های شبکه‌های آن طرفی را با ملغمه‌ای از تبلیغات جعلی رسانه‌های زنجیره‌ای کپی کرده، ادعا می‌کند که در ژانر اجتماعی کار کرده است! در حالی که نگاهش به معضلات اجتماعی از نوک دماغ و میدان ونک فراتر نرفته و نمی‌رود.

متأسفانه طی این سال‌ها، جشنواره فیلم فجر هم تیول این‌گونه فیلم‌های ضعیف به‌اصطلاح اجتماعی و شعر و شعارهای بی‌پایه و اساس شد که بعضاً به آنها جوایز ریز و درشت نیز اعطا کرد. فیلم‌هایی که نه به لحاظ ساختاری در شأن و اعتبار جشنواره فیلم فجر بودند و نه از نظر موضوع و محتوا نسبتی با انقلاب و فجر آن داشتند.

اگرچه امسال هم گویا چند فیلمی با این محتوی در میان آثار جشنواره چهلم به چشم می‌خورند که در فرآیندی دشوار از میان خیل محصولات مدیران دولت قبلی انتخاب شده‌اند اما به نظر می‌آید نه آن نگاه‌های سطحی و سیاه قبلی در آنها موج می‌زند (اگرچه رشته‌ها و سرنخ‌هایی باقی است) و نه دم‌دستی و غیرحرفه‌ای ساخته شده‌اند.

روز دوم

علفزار
یک روز در دادسرا

نخستین فیلم کاظم دانشی روایتی خوش‌ساخت از یک پرونده ملتهب قضایی است که حدود یک دهه پیش مطرح شد. گروهی زن و مرد که بعضاً هم خویشاوند هستند در یک باغ و استخر مختلط بیرون شهر، در حال می خوارگی و در شرایط نامناسب غیراخلاقی، مورد تعرض گروهی از افراد محلی قرار گرفته اما به دلیل نسبت نزدیکی که با شهردار شهرشان دارند، به توصیه جناب شهردار و برای حفظ آبروی او و خانواده‌اش، از شکایت علیه آن گروه متعرض خودداری می‌کنند تا پرونده مختومه اعلام شود.

اما در این میان یکی از آنها که عروس خانواده (با بازی سارا بهرامی) محسوب می‌شود، علی‌رغم فشار اطرافیان نمی‌خواهد از شکایتش صرف‌نظر کند و از همین روی بازپرس/قاضی پرونده (با بازی پژمان جمشیدی) برخلاف خواست رئیس‌خود، پرونده را به مرجع قضایی بالاتر ارجاع می‌دهد.

فیلم «علفزار» روایتی از ماجرایی واقعی است که در خرداد ۱۳۹۰ در خمینی‌شهر اتفاق افتاد و حاصل آن اعدام متعرضان به نوامیس مردم بود؛ اما کاظم دانشی کارگردان فیلم، علاوه‌بر حکایت خطا و جرم متعرضان حادثه فوق، به گناه قربانیان نیز پرداخته است، قربانیانی که مرتکب دو عمل غیراخلاقی شنای مختلط و شرب خمر شده ولی مجازات آنها از زبان قاضی/بازپرس پرونده، جدای از جرم متعرضان اعلام می‌شود.

دانشی با ساختار و فرمی خوش‌ریتم و هوشمندانه، این خطاکاران را به یکی از مقامات شهر منسوب کرده و به اعمال نفوذ آن مقام برای دست بردن در پرونده و معضل رانت و فسادهایی از این دست می‌رسد اما پاکدستی و ایستادگی مقام قضایی علی‌رغم تهدیدات و تبعاتی که ممکن است برایش داشته باشد، این اعمال نفوذ را بی‌اثر کرده و نشان می‌دهد که اگر شاکیان بر شکایت و عدالت‌خواهی خود اراده داشته باشند، مقامات قضایی هم در کنار آنها خواهند بود و در نهایت حق به حق‌دار می‌رسد.

در یکی از صحنه‌های کلیدی فیلم، عروس خانواده علی‌رغم هشدارهای مختلف (حتی از سوی بازپرس) با تأکید می‌گوید که آگاه است با شکایت او و ارجاع پرونده به مرجع بالاتر قضایی، آبروی شهردار رفته و استعفا خواهد کرد، زندگی خواهرش از هم می‌پاشد (که با یکی از همکارانش بساط فساد دیگری را در همان باغ به راه‌انداخته بود) و خود او نیز دیگر جایی در میان خانواده‌اش ندارد اما همچنان بر شکایت خود مصر است، چون باور دارد که با وجود همه فشارها و نفوذها و رانت‌ها و تهدیدات، سرانجام در این دستگاه قضا به شکایتش رسیدگی شده و مجرم به سزایش می‌رسد.

فیلم آشکارا فضای تیره و تاری ارائه می‌دهد که علاوه‌بر موضوع تعرض، شاهد کاراکترهای درب و داغان و بزه‌های تکان‌دهنده دیگری نیز هستیم که اگرچه بخشی از آن درست است اما همه واقعیت نیست. البته توجیه فیلم‌ساز هم شنیدنی است که به هر حال محیط یک دادسرا یا محل رسیدگی به جرم و جنایت، مکان گل و بلبل و خوش آب و رنگی نیست.

اما نمونه‌های خارجی این فیلم خصوصاً اثر معروف ویلیام وایلر به نام «داستان کارگاه»(که به نظر می‌آید به لحاظ ساختاری و فرم، الهام‌بخش اصلی فیلم «علفزار» بوده)، اگرچه برخوردهای پلیس و بازپرس‌های یک کلانتری را در طول یک روز نشان می‌دهد، اما این‌چنین فضای سیاه و بی‌منفذی ندارد و اگرچه شخصیت اصلی آن فیلم یعنی کارآگاه مک لئود (کرک دوگلاس) درست برعکس کاراکتر بازپرس فیلم «علفزار» بر محکوم کردن آدم‌ها مصّر است، اما همچنان در فیلم شاهد بخش‌های ملودرام و حتی طنز و شوخ‌طبعی هستیم و همه چیز تاریک و سیاه نمایش داده نمی‌شود.

قابل ذکر اینکه همواره یک فیلم در سینما علاوه‌بر مکان و زمان قصه‌اش می‌تواند نمونه‌ای از یک جامعه کلان‌تر بوده و به اقشار، گروه‌ها و طبقاتی که نمایندگانشان در فیلم به چشم می‌خورند، بسط پیدا نماید. ولی کاظم دانشی در فیلمش، نمایندگان برخی از اقشار و طبقات متفاوت را در آن دادسرا سانسور کرده و فضایی یکپارچه سیاه از اجتماعی که می‌تواند نمونه‌ای از جامعه بزرگ‌تر بیرون باشد را به منصه ظهور رسانده است. اما ورای آن، فیلم «علفزار» روایتی هشدارگونه نسبت به سبک زندگی بی‌بند و بارانه و حریم‌شکنانه مقلد غرب نیز هست که متأسفانه‌گریبان برخی اقشار متوسط جامعه ما را گرفته و اخطار می‌کند که رفتارهای ساختارشکنانه اجتماعی چه عواقب خطرناکی می‌تواند برای همه داشته باشد، ضمن اینکه نگاه طبقاتی و شبه‌نژادپرستانه‌اش به اقشار فرودست به‌اصطلاح گل‌درشت بوده و به شدت توی چشم می‌زند. تصویری که فیلم‌ساز در فیلمش از این‌گونه افراد نشان می‌دهد حتی در ظاهر مثل شکل و شمایل آشفته و ژولیده متعرضین و چهره مخدوش مادر آنها، به شدت شعاری و مادی‌گرایانه به نظر می‌رسد.

شادروان
در این قبری که بالای سرش گریه می‌کنی، مرده‌ای نیست!

اینکه از یک ماجرای تراژیک و معضل تکان‌دهنده اجتماعی، فیلمی کمیک و طنز ساخته شود، کار سهل و ممتنعی نیست. در تاریخ سینما بسیار از این دست فیلم بر پرده سینما رفته اما سینماگرانی همچون چارلی چاپلین یا باستر کیتون توانسته‌اند آثار ماندگاری در عالم هنر هفتم از خود باقی گذارند. آثاری که بعضاً «گروتسک» یا «پارودی» نامیده شده و در عالم تئاتر نیز نمونه‌های فراوانی دارد. در فیلم «شادروان» هم حسین نمازی سعی داشته چنین فضایی به وجود آورد.

پدر یک خانواده (با بازی کوتاه رضا رویگری) که گویا بیماری حاد قندی دارد، بر اثر زیاده‌روی در مصرف شیرینی، دچار حمله قلبی شده و در بیمارستان فوت می‌کند؛ اما خانواده وی به دلیل عدم استطاعت مالی نمی‌توانند هزینه بیمارستان را پرداخت کرده و جسد وی را تحویل بگیرند. سرقت جسد هم نتیجه مثبتی نداشته و رباینده‌گان آن، گیر می‌افتند.

اما فامیل‌ها که از کم و کیف ترخیص جسد خبر ندارند، با شنیدن خبر درگذشت پدر یادشده، همگی از شهرستان راهی خانه نه‌چندان بزرگ او شده و بر سر خانواده بی‌پولش آوار می‌شوند. حالا پسر خانواده (با ایفای نقش بسیار متفاوت سینا مهراد) هم در به در به دنبال فراهم کردن پول ترخیص پدر فوت شده است و البته به هر دری که می‌زند با بن‌بست مواجه می‌شود.

می‌توان گفت حسین نمازی از موضوع فوق، یک کمدی نسبتاً سالم و بدون هجویات و تکه‌پرانی‌های شبه‌سیاسی و شوخی‌های جنسی و غیراخلاقی و همچنین خوار و خفیف کردن مردم، در آورده است. نشانه‌هایی که متأسفانه این روزها تحت عنوان مضحکه و طنز و کمدی بسیار رایج شده و سینمای ایران را با فضای مبتذل خود، آلوده کرده است.

در فیلم «شادروان» فضای زندگی حاشیه‌نشینان مهاجر کلان‌شهرها، اگرچه با دستمایه اغراق شده اما تا حدودی واقعی ترسیم شده و بخشی از معضلات و مشکلات آنها با ساختاری نه‌چندان کسالت‌بار بدون استفاده از جذابیت‌های جعلی به نمایش درآمده است.

البته نمی‌توان نگاه از بالا و طبقاتی فیلم‌ساز به این طبقه را منکر شد و آن را موجب ضعف و آسیب‌پذیری فضای فیلم ندانست. نگاهی که متأسفانه از آثار رایج و تقلیدی شبه‌روشنفکری آمده و طبقه فرودست را اگرچه با اعتقادات سنتی اما واجد اغلب خصوصیات منفی مثل پشت‌هم‌اندازی و شارلاتانیسم و زیرآب زنی و لنگرانداختن در سفره دیگران و به قول خودشان به هر نحو از آنها کندن و... نشان می‌دهد.

صحنه‌هایی در فیلم «شادروان» که اغلب افراد فامیل به خانه محقر خانواده پدر از دست داده سرازیر شده و روزهای متمادی به‌اصطلاح کنگر خورده و لنگر انداخته‌اند در حالی که هنوز جسدی برای خاک‌سپاری وجود ندارد، مؤید همین موضوع است.

اما خوشبختانه نمازی در همین نقطه نگاه شبه‌روشنفکری به طبقه فرودست درجا نزده و آنان را دارای برخی خصوصیات مثبت و انسانی کلیدی هم تصویر کرده که در نهایت مشکل ترخیص جسد پدر و خاک‌سپاری‌اش را حل می‌نماید.

در واقع در انتهای فیلم، اگرچه تا حدودی رقیق‌تر ولی شاهد نوعی پایان شبیه به فیلم «مهمان مامان» هستیم به‌گونه‌ای که علاوه‌بر بعضی از همان فامیل‌های لنگرانداخته، حتی دایی جان بچه‌ها که همواره درصدد سوءاستفاده مالی از خانواده خواهرش بود و به قول معروف حتی یک قطره آب هم از دستش نمی‌چکید، سرانجام همه پولی را که در جیب دارد برای برگزاری آبرومند مراسم، هزینه می‌کند.

هدیه به خوانندگان

رهبر معظم انقلاب: استکبار قادر نیست نظامی مثل نظام جمهوری اسلامی ایران را تحمل کند چون انقلاب در اعتراض به استکبار و عوامل آن در ایران به‌وجود آمد.

اخبار ادبی و هنری

استقبال از «موقعیت مهدی» در جشنواره فجر

یکی از نقاط قوت چهلمین جشنواره فیلم فجر، آثار دفاع مقدسی این رویداد است